

## نوروز منحیث یک گنج فرهنگی از آریا نای کهن

تهیه و تدوین: پوهیالی علی بیک سالک

۲۷ حوت ۱۳۸۹



نوروز یک رسم و آیین قدیمی بوده که هیچگاهی کهنه نمیشود. زیرا نوروز یک جشن تحمیلی و مصنوعی نیست، بلکه این پدیده با عظمت تاریخی، یکی از بخشهای فرهنگی-اجتماعی آریانای کهن بوده، از همان آغاز تا امروز اصالت و قدسیت خود را حفظ نموده و سینه به سینه ادوار مختلف تاریخی را در نور دیده و به حیث میراث گرانبها، مقام عالی اش را در عقول و قلوب ملیون ها انسان کرهء خاکی ما حفظ نموده است.

مسلم است که نوروز را آریایی تباران در پهنای تاریخ به نحوی پاسداری نموده اند. یکی از برانندگی نوروز و کرکتر جهان شمول بودنش به گمان تاریخ آن است که این آیین نه مانند سنت های دیگر به زبان شمشیر و فرمان شاه و امیر، بلکه با فضیلت و فرهنگ خویش کشورهای زیادی را عبور نموده است.

نوروز انسانها را به استقبال تماشای زیبایی طبیعت فرامی خواند تا در زیر چتر آسمان نیلگون و صاف محلی را بیاریند که قندیش پرنور از درخشش آفتاب بهاران، موسیقی اش نغمهء آبخاران و کبک و قناریان خوش الحان، رقص و ساز اش لرزش و کف زدن فرحت انگیز برگهای حله پوش درختان در ترنم نسیم خوش الهام بهاران و بال زدن کبوتران در پهنای زربفت نیلگون بهاران، پایکوبی اش خیز مستانهء هر زنده جان مست از سرودهای دلنواز میلودی آبخاران در فضای آگنده از شمیم گل های باز از نور رسته بهاران است.

نوروز در حقیقت جشن اعتدال و برابری شب و روز است و رستاخیز زیبایی و شورشگفتن و موسم رویدن و بوییدن.

نوروز جشن است پاک کننده کدورت و غبارهای افسردگی از وجود انسان ها همانطوریکه روح را در کالبد طبیعت و خون را در رگهای هستی می دمد و طراوت و سازندگی را ببار می آورد.

گفتنی است در نوروز همه چیز آغاز به نوشدن مینماید. مبرهن است طبیعت بطور عام به نحوی از انحا جامه را بدل مینماید، همه هستی عالم در رویش، جنبش و حرکت قرار میگیرد و در نهایت دیدنی است که زمین جامهء بختی را به تن میکند و با ریزش باران های بهاری عروسانه مورد آرایش قرار میگیرد.

قابل گفتن است که انسان درین پروسه چگونه میتواند تغییر بخورد یا خودش را تغییر دهد که تا آثار و علایم نو را در وجودش احساس نماییم.

مسئله تا جایی روشن است، از جاییکه انسان جز طبیعت است، بناً از آن لحاظ فزیک و بیولوژیکی وجودش همزمان با تغییر و تحولات طبیعت بطور ناگزیر مستقیماً در تحول و تغییر قرار میگیرد اما درینجا چیزیکه برای انسان به حیث یک موجود متفکر و متعقل مهم و سازنده است، رشد و نمو آن از نظر معنوی و نو سازی اندیشه اش است. امر مسلم و طبیعی است که انسان در طول یک سال با آنچه از تجربیات عملی و نظری آموخته و مزید بر آن با غنای گنجینهء دانش و عرفان، روان و معنویت اش را صیقل مینماید. ولی در پهلوی این همه پیشرفتهها فرض حال، اگر گرد و غبار بد بینی، کدورت و نفرت نسبت به انسانها، طبیعت و موجودات در ذهن و افکارش بوجود آمده باشد، باید عاقلانه با آمدن نوروز، یکبار دیگر این کدورت ها را از ذهن و حافظه خود بزداید و با اندیشه و تفکر نوین انسانی با اتکا به خرد و تعقل، مطابق به فطرت تجدد طلبی سال نو، نوروز سال را با تجدید پیمان آغاز نماید.

اندیشه خوش بینی و نو گرایی در حقیقت دوران هر گونه تعصب، خودخواهی، کینه توزی و کینه پروریها بوده و انسان میتواند با شعار عشق به طبیعت، عشق به هم نوع خود و عشق به تمام موجودات وارد صحنه زندگی نوین گردد. با همین تجدید پیمان است که انسان قادر میشود با افکار راحت، دوران بد بینی ها با خیال آرام زندگی طبیعی اش را در گسترهء سال، یا به عباره دیگر سالها ادامه دهد.

در رابطه با اهمیت تاریخی و فلسفی جشن نوروز باید گفت که: این جشن طوریکه قبلاً تذکر یافت از زمانهای بسیار قدیم تاکنون در کشورهای افغانستان، ایران، تاجکستان، قزاقستان، اوزبکستان، ترکمنستان، آذربایجان، ترکیه، در برخی از کشورهای عربی و غیره نقاط جهان بصورت عنعنوی و سنتی و به حیث یک

میراث مهم فرهنگی رایج بوده است. این جشن با شکوه سال به سال در بین جوامع بشری رونق بیشتر و بیشتر را کمایی کرده و حقایق خود را ثابت میکند.

و اما سر آغاز نوروز و تعبیرهای مختلف از آن برای چی و چرا آنرا نوروز میگویند، در حوزه های مختلف فرهنگی این کشورها مطابق با برخوردهای سلیقوی و سنتی شان اندکی باهم تفاوت دارد، ولی در ماهیت و کیفیت این جشن مهم در هیچیک از این کشورها تفاوت چندانی به مشاهده نمیرسد. متقدمین ما را عقیده بر آن است که با آمدن بهار و نوروز فیصدی خون در مردان ۶۰ درصد و در زنان ۱۰۰ در صد تازه میگردد، لذا شور، شغف و مستی جنس زن در این فصل بیشتر نمودار می گردد.

در رابطه با پیدایش و تعیین روز نوروز علما، دانشمندان، و محققین تحقیقات زیاد نموده اند، ولی همه شان قسمیکه مشاهده میشود به یک نتیجه نرسیده اند. مثلاً: در برهان قاطع آمده است: خداوند جهان را در نوروز آفرید. باز آمده خداوند آدم را در نوروز آفرید.

ابوریحان البیرونی عقیده دارد: اعتقاد پارسیان اندر نوروز نخستین آنست که: اول روز است از زمانه و فلک آغازیدن و شستن، اما به قول بعضی محققین، نوروز با نام جمشید گره خورده است. بدان معنی که درین روز برای جمشید تخت شاهی آماده میگردد و جمشید بر تخت شاهی قرار گرفته بوسیله جن ها به آسمان ها به سیر و سیاحت میرود و این تاریخ چون سر سال (نوروز) هرمزفروردین بود و مردم آسوده از درد و رنج بودند، این روز را جشن می گرفتند و آن را نوروز خواندند.

به جمشید بر گوهر افشانند      مر آنروز را روز نو خوانند  
سر سال نو هرمزفروردین      بر آسوده از رنج روی زمین

یا عده یی را عقیده بر آنست که مولانا علی در همین روز بر تخت خلافت جلوس نموده است. از همین لحاظ است که در افغانستان صدها هزار نفر از پیروان مذاهب مختلف در جشن نوروز به ولایت بلخ باستان به روضه مرتضی علی رفته و علم مبارک شاه ولایت مآب را با مراسم خاص با استدعای بر آورده شدن آرزوهای نیک شان برمی افرازند. با اتکا به تجربه تاریخی مردم آن دیار، افکار

عامه بر آن است، در سالیکه درفش مولا علی (جندۀ شریف) به آسانی و سهولت بلند گردد، سال نیکو و پر از برکت را به فال نیک می گیرند. عده یی عقیده دارند که درین روز نیک و شریف فروهر ها به زمین فرود می آیند -فروهرها یعنی فرشته های آسمانی و به قول دیگر به معنی طیف نوریکه از آسمان به زمین آمده همه جا را نور افشانی می کند و زنده جان ها را حرارت و حیات می بخشد.

علاوتاً باید گفت: گروهی از مردم به این باور بودند که (نوروز) غلبه نیکان بر بدان است و عده دیگر آنرا روز عدالت و داد کوری گفتند. ولیکن قدمای بلخ بامی این روز را روز آغاز سال و اعتدال (برابری شب و روز) گفتند. براساس نظریات و عقاید مطروحه متذکره، اگر موضوع را مورد تحلیل و ارزیابی قرار بدهیم، در می یابیم که: نوروز در حقیقت همان ساعات و لحظاتی از زمان است که طبیعت از حالت دگم و انجماد زمستان و خنکی های مرگ زا رهایی یافته، سر از نو حرارت و گرمجوشی هایش را، که منجر به حرکت، رویش، جنبش و زندگی نو است، باز پس می گیرد. لذا در سر تا سر کشور عزیز افغانستان هر سال در همین روز مطابق به عنعنۀ نیاکان جشن و شادی بزرگی، به همین مناسبت برپا میگردد که در منطقه کاملاً بی نظیر است.

واضح ساخت که بسیاری از مردمان آسیای مرکزی جشن نوروز را به نام جشن دهقان هم یاد میکنند، یعنی درین روز دهقانان در جریان این جشن بزرگ با انواع وسایل ابتدایی و مدرن زراعتی شان به شمول حیوانات و ماشینری مدرن در عیدگاه های معین در برابر هزاران تن از مستقبلین بهار و روز دهقان، با نمایش فرآوردهای تولیدی و نمایشات گوناگون رژه می گذرند و بعداً برسم نمونوی یک قطعه زمین را شخم میزنند و دانه میپاشند که این عمل خود نماد و علامت رویش و آغاز زندگی نو تلقی می گردد.

راویان تاریخ و ناقلان آثار قدیم را عقیده بر آنست که مردم آریایی قدیم جشن نوروز را با ساز و موسیقی، پایکوبی و شور و شغف زیادی استقبال میکرده اند، که ترانه سمنک یکی از آن میراثهای گران قیمت فرهنگی برای جوامع ماست که امروزه شکل مدرن تروبا مزه تر در مراسم جشن های نوروزی اجرا می مگرد. قسمیکه به همگان معلوم است در جریان پختن سمنک، که از سبزه تازه گندم تهیه میگردد و نمادی از زندگی نو است، دختران جوان یگجا با خانم ها این سرود

بهاری را با دف و چنگ و بعضاً با موزیک اجرا مینمایند و با اطرافیان شان لذت میبرند که این تجلیل درحقیقت به استقبال از زایش، رویش، بوی بهاری و سر از نوشدن زندگی و طبیعت است ، صورت میگیرد.

در اخیر به افتخار باید گفت: که امروز جشن نوروزی به مثابه یک میراث فرهنگی گران بهای بشریت ، درچوکات یک حوزه مشخص جغرافیایی محدود نمانده و تقریباً فراگیر جهان ردیده است.

چنانچه در ماه اکتبر ۲۰۰۹م مجمع عمومی ملل متحد به اشتراک ده ها کشور جهان موضوع جشن نوروز را تحت غورو بررسی قرار دادند. این مجلس ملل متحد، بعد از درک اهمیت تاریخی و فلسفی نوروز، آن را با تأیید و رای مثبت ۱۱۲ کشور جهان به صفت یکی از جشن های بزرگ جهان بشریت به تصویب رسانیدند.

قرار تحقیق و احصایه ملل متحد تقریباً بیشتر از نیم ملیارد نفوس جهان ازین جشن با اهمیت به گرمی استقبال وبخاطر گرامیداشت از آن، جشن ها و محافل خوشی را بر پا مینمایند. البته مراسم بزرگداشت ازین خجسته روز در کشورهای مختلف دنیا بر اساس تفاوت های کلتوری، با اندکی تغییرات شکلی برگذار میگردد، ولی منحیث المجموع در تمامی این کشورها مراسم نوروز با خانه تکانی ها و تازه کردن محیط ماحول زندگی ، آغاز و با رفت و آمد به خانه های بزرگان، اقارب و همسایگان تا بر پا نمودن نمایشات سپورتی مانند پهلوانی ، بزکشی و تبارز اشکال گوناگون خوشی چون اجرای برنامه های رقص، پایکوبی و ساز و آواز و غیره به طور رسمی سه روز و به گونه عنعنوی چهل روز ادامه پیدا میکند.

در رابطه با تهیه غذاهای نوروزی و عنعناتی که درین مورد وجود دارد، باید خاطر نشان کرد که این معمول نیز در بین مردم کشورهای همسایه و همچنان مردم افغانستان، با تفاوت های نه چندان زیادی ، اجرا می گردد ولی غذای اساسی و مهم در هرکجا همان سبزی است که به عنوان بوی بهاری به اشکال مختلف ترتیب و تهیه میگردد. مثلاً: در افغانستان پختن سمنک از رواجهای خیلی پیشین مردم است که در پهلوی آن از شربت هفت میوه نیز استفاده میبرند که خیلی با مزه و قوی میباشد. ولی این معمول در جاهای دیگر تحت عنوان هفت (س) و هفت(ش) به نمایش گذاشته میشود، اینک هفت س- و هفت - ش- را با مفاهیم و معانی سمبولیک آن خدمت خوانندگان محترم ارایه مینمایم.

### هفت سین

۱. سرکه: یک مایع ترش، مگر حفظ کننده مزه طعام است. یعنی زندگی دوامدار و با مزه را تمثیل میکند.
۲. سمارق: سمبول رویش سریع، قدرت و مزه است.
۳. سیر: سمبول صلح یعنی نمادی از صبر و حوصله.
۴. سمنک: مانند حلوا است که از سبزه تازه گندم آماده میگردد و سمبول شگوفایی موسم بهار را میرساند.
۵. سیب: سمبول زیبایی و تازگی.
۶. سنجد: سمبول آرامش و استراحت.
۷. سبزی: سمبول سر سبزی، طراوت و کامیابی.

### هفت شین

۱. شیر برنج: نمادی از مزه خوب و سلامتی.
۲. شیرینی: سمبول شیرینی کام.
۳. شهد: سمبولی از همکاری و صمیمیت.
۴. شربت: سمبول صحت و سلامتی.
۵. شیر: اولین غذای انسان، نمادی از رشد، نمو و بزرگ شدن.
۶. شکر: سمبولی از شیرینی زندگی.
۷. شفتل: نمونه از حله پوشی بهاران.